

بنیاد فرهنگی کهزاد

کتاب "افغانستان قبل از اسلام" اثر علامه استاد احمد علی کهزاد تا حال به نشر نرسیده بود و اینک بنیاد فرهنگی کهزاد آنرا جهت استفاده علاقه مندان ارجمند قرار میدهد.

فصل هفتم کتاب «سلطنت یونانیان باختر» را احتوا میکند که اینک تقدیم میگردد. قابل یادآوری میدانم که در فهرست محتویات اشتباهی صورت گرفته است که بعد از تکمیلی تمام کتاب اصلاح خواهد شد.

امیدوارم محتویات کتاب حاضر مورد توجه علاقمندان عزیز قرار گرفته و از آن استفاده کنند. ممکن بعضی از موضوعات در این اثر با آثار بعدی کهزاد بزرگ همسو نباشد که نشاندهنده تحولات علمی بعدی میباشد. /10 جولای 2011/

داکتر فریار کهزاد
بنیاد فرهنگی کهزاد
پژوهشگاه تاریخ و باستان شناسی

بنياد فرهنگي كهزاد

افغانستان قبل از اسلام

احمد علي كهزاد

افغانستان قبل از اسلام

احمد علی کهزاد

این اولین تاریخ دوره باستانی افغانستان است که در بهار سال 1315 در محبس، مخفی از نظر مامورین مؤظف در کاغذ پوری نوشتم و بعد از انقضای مؤعد حبس آنرا پاک نویس نمودم.

احمد علی کهزاد

یادداشت:

احمد علی کهزاد به مجردیکه از ماموریت در سفارت افغانستان در روما در سال 1314 اجباراً به وطن برمیگشت از سرحد افغانستان – ایران بازداشت شده و با زنجیر و زولانه به توقیف خانه کابل آورده شد و برای مدت نه ماه بدون هیچ نوع اتهام و بدون هیچ نوع پروسه حقوقی در آنجا سپری نمود و دلیل این بازداشت و حبس هرگز برایش توضیح نشد و هم اگر بیگناه بود هیچ نوع غرامتی برایش داده نشد.
این زمانی بود که محمد ظاهرشاه پادشاه افغانستان بود.

فهرست مضامین و محتویات

فصل اول – آریا ورته یا مهد پرورش آریائی ها

مهد پرورش آریائی ها
زندگانی مشترک قبایل آریائی در باختر
شروع مهاجرت ها
شاخه ودیک یا شاخه شرقی
جنگ هفت ملک و قبیله پکت ها
حیات قبیلوی و خانوادگی
زبان
آئین

فصل دوم – آریائی ها باختر

قبایل شاخه غربی
زوراستر
اوستا
آئین زردشتی
زبان باختری یا زند

فصل سوم – هخامنشی ها

قبیله هخامنش
امادی ها
چگونگی انتقال حکومت از امادی ها به هخامنش ها
سیروس
کمبوجیا
باردیا
گاماتا
داریوش کبیر
خشایار شاه
ارتاگزر سس اول
داریوش دوم
ارتاگزر سس دوم و سوم
داریوش دوم
طرز حکومت در دوره هخامنشی ها و موجب دوام آن
خاک افغانستان امروزی در دوره هخامنش ها
مذهب

فصل چهارم - فتوحات اسکند

علت شروع محاربات
پیشرفت های قشون یونانی
مقاومت ولایات شرقی
بسوس یا دارای چهارم و ولایت باختر
صفحات جنوب شرقی هندوکش
امبهی - پوروس راجاهای هند و اسکندر

فصل پنجم - سلطنت موری

چگونگی کیفیت رسیدن خاندان موری به سلطنت
چندا گوپتا
بندوسارا
آشوکا
دیانت بودائی
محفل مذهبی
اعزام مبلغین به افغانستان
زبان خروشتی و برهمنی

فصل ششم - تجزیه امپراتوری یونانی

کشمکش بین جنرال های اسکند
سلطنت یونانیان باختر
دیودوتس اول و دوم
تغییر خانواده سلطنتی
ایوتیدم
دمتریوس
ایوکر تیدس
ظهور اسکائی ها و بحران امپراتوری باختر
سلطنت یونانی جنوب هندوکش
هیلیوکلس
انتی ماکوس
آگالوکلس
پانتالون
بقیه اولاده ایوکر تیدس تا هرمایوس
سلطنت احفاد ایوتیدم سلطان باختر در پنجاب

فصل هفتم - قبایل ساک یا اسکائی ها

اصلیت قبایل اسکائی
انتشار آنها به باختر
مقابله آنها با پارت ها

هرایوس
موسس
ازسس

فصل هشتم – پارت ها و سلاطین پارتی

پارتین کجا و مؤسس خانواده سلطنتی پارتی کیست؟
ارساسس اول و دوم
تری داتس
فریایپیتس
فرهاتس اول
مترداتس یا مهرداد اول
سلطنت مستقل پارتی در سیستان و قندهار یا سلطنت پهلوا
ونونس
گندوفارس
اورتاگنس
پاکورس

فصل نهم – کوشانی ها

کوشانی ها یا یوچی ها کی بودند و از کجا آمده اند
منابع چینی و یونانی نسبت به ایشان چه میگویند
خانواده شاهی کوشان
کزولو یا کجولو کدفیزس (کدفیزس کوشانی، هرمایوس یونانی،
گندوفارس پهلوا)
ویما کدفیزس
سوتر مگاس
کنیشکا
کنیشکا و دیانت بودائی
واسیشکا
کنیشکای دوم
هویشکا
واسوشکا
واسودوا
زبان سیتی یا تخاری

فصل دهم – صنعت گریکو بودیک (یونانو بودائی)

عوامل به میان آمدن این هنر و صنعت
تعریف لفظی و تاریخی ابتکار صنعت گریکو بودیک
عصر ترقی و انحطاط آن با اختصاصات هر دوره
مکاتب صنعتی و هنری هده و سائر نقاط گندهارا
مقایسه آثار هده (گندهارای غربی) با آثار هندی (گندهارای شرقی)

مقایسه آثار هده با شهکارهای یونانیان
بربرها و جنگجویان
کابل بودائی
پایتاوه
بگرام
بامیان
دختر نوشیروان

فصل یازدهم – هن ها

هن ها کی بودند و از کجا آمدند؟
مقابله هن ها با کوشانی ها
هن ها و خرابی آثار معابد بودائی
تورامان و می هی راکولا
اتحاد ترک و ساسانی در بر انداختن هفتالییت

فصل دوازدهم – ترک ها

اصلیت ترک ها و امپراطوری های شان در آسیا
اتحاد و مخالفت شان با ساسانی ها
ترک ها قرار چشم دید زایر چینی هوان تسنگ
شهبازگان ترکی نژاد قندوز و کاپیسا
عظمت و اقتدار شهزاد اخیرالذکر
بلخ
بامیان
کوهدامن
هده

و غیره نقاط در زمان ورود زائر چینی یعنی سال های 630 – 631 م.

فصل سیزدهم – کزکی ها

کزکی ها یا کزکو و وازیو اولاده کوشانی ها
کثرت مسکوکات ایشان در افغانستان و پنجاب
دین برهمنی
پرستش شیوا

فصل هفتم

سلطنت یونانیان باختر

حینیکه آوازه وفات اسکندر شیوع یافت قبل از همه باختری ها جنبشی نشان داده و با یونانیان که عده شان به بیست هزار پیاده و سه هزار سوار میرسید، یکجا بنای بغاوت را گذاشتند ولی موفقیت حاصل نتوانستند زیرا از میان خود شان بعضی خیانت نموده و «پی تن Peithan» حکمران مدیا به اطفای آتش بغاوت فایق آمده بکتریان، اری، و درانجیان همه تحت حکمرانی او قرار گرفت. همین طور وضعیت چند سال دیگر هم دوام کرد تا اینکه «سلوکوس» در بابلون قد بلند نموده امپراطوری وسیعی بنام خود تشکیل نمود. در عصر سلطنت نواسه اش «انتیوکوش دوم» تا «انتیوکوش توز» که در غرب قوای حکومت مرکزی با شاهان مصری در پیکار بود، روح استقلال جوئی و ملیت خواهی باختر موقع مساعد یافته هنوز 30 سال از سلطنت خانواده سلوسید ها نگذشته بود که در شرق امپراطوری اول بلخی ها با «دیودوتوس Diodotus یا تئودوس Theodus» حکمران خود آوازه استقلال خواهی بلند نموده و سپس پارتی ها در اثر اقدام «ارساسس» یکی از روئسای بومی باختری صاحب آزادی شدند. چون از این تاریخ بعد باختر حایز حیات سیاسی مستقل میشود ذیلاً به ذکر اسما و چگونگی سلطنت شاهان مقتدر آن میپردازیم.

دیودوتوس یا تئودوس – 50 ق.م.

دیودوت که از طرف انتیوکوس اول پسر سلوکوس حکمران باختر بود در حوالی 250 – 256 ق.م. اعلان شاهی نموده بنام خویش سکه زده است. در مسکوکات او تمثال انتیوکوش دوم و تصویر «زوس پروماکس Zeus Pramachos» رب النوعی که حامی خاندان «دیودوت» بود، نمایش داشت.

تئو دوتوس دوم 230 – 245 ق.م.

راجع به حوادث سلطنت «تئودوتوس» دوم معلومات زیادی در دست نیست. اگر چه چند سکه هم که تا حال کشف شده خوب بین پدر و پسر تمیز نمیشود اما از قرائن این قدر معلوم میشود که در عصر او جنبش آزادی خواهی در «اری» (ولایت هرات) هم تاثیر نموده و به تمثال بکتریا، آریا هم آزاد گشته و دامنه سلطنت یونانی باختر به تمام مناطق شمال هندوکش منبسط شده باشد. صفحات

جنوب سلسله کوه مذکور مخصوصاً علاقه رود «کوفن» (وادی کابل)، گندهارا، سمت مشرقی و جنوبی حالیه و اراکوزی (وادی ارغنداب) هنوز تحت حکمرانی خاندان موریای هندی بود و هندوکش خط سرحدی بین شان بشمار میرفت.

تغییر خانواده سلطنتی (200 – 225 ق.م.)

در حوالی 220 ق.م. از گوشه شمالی امپراطوری یونانی باختر، از ولایت «سغدیان» (بخارا و سمرقند) «ایوتیدم Euthdeme» که از طرف انتیوکوش حکمران مقرر شده بود بنای بغاوت را گذاشته و به تفصیلی که خودش بیان میکند «دیودت» دوم را از سلطنت خلع و خود به تخت باختر جلوس نمود.

«ایوتیدم» به تعبیر خود بغاوتی را که روی کار آورده بود جایز دانسته و میگوید که علت شورش او گوشمالی و توییح خانواده بود که اصلاً مقصر این عمل بودند و این خانواده عبارت از خاندان «دیودت» بود که بار اول سلطنت یونانی را در باختر تشکیل نمود.

ایوتیدم (200 – 230 ق.م.)

در یکنوع سکه اسم شاه با هیکل «هرکول» ایستاده یا نشسته بطرف چپ معلوم میشود. در یک سکه دیگر در طرف چپه شکل اسپ وحشی بکتریا با اسم شاه نقش است و در طرف چپه هر دو سکه رخ راست شاه را نشان میدهد و عنوان هر دو ایوتیدموس بازیلیوس دیده شده است.

استقرار او به تخت سلطنت باختر مصادف به عصر قشونکشی انتیوکوش سوم مدت 9 سال طول کشید. یعنی از 212 تا 204 ق.م. و محاربات او با «ارساس» شاه پارتیا میباشد. شاه باختر چون تازه به سلطنت رسیده از طرفی هم بین حکومت باختر و شاهان پارتی الیانیسی [اتحاد] قائم بود مایل نبود که در محاربات ممالک همجوار مداخله نماید و به این اساس «انتیوکوش» را بر علیه «ارساس» کمک ننموده و در نتیجه چون «انتیوکوش» بر «پارتیا» غالب آمد، شاه باختر در مقابل قوای متحد شامی و پارتی مصادف شده پس پا گردید (208 ق.م.) جنگ کنار رود «اریوس» (هری رود) بمیان آمده و ایوتیدم با سربازان دلاور باختری مدت دو سال مقاومت نمودند. بدین قرار انتیوکوش سوم در طی حملات و لشکر کشی های 9 ساله خود که از 212 ق.م. تا 204 ق.م. دوام نمود، اقتدار خانواده «سلوسید» را دوباره در آسیای علیا برقرار نمود. کسیکه فتوحاتی نمود که قابل مقایسه با پیشرفت های مؤسس خانواده «سلوسید» میباشد، بر علاوه مشارالیه از معاهدات سیاسی و رفتار اعتدالانه خود همکاری زیادی گرفته اگرچه به «ایوتیدم» و یونانیان باختر فایق هم آمد ولی برای اینکه روحاً یونانیان آسیا از هم

مجزی نشده و در مقابل خطر «سیتی» قوی باشند، خویشاوندی را با خانواده شاهی باختر قایم نموده و باختر را برای آنها واگذاشت چنانکه تفصیلات آن ذیلاً دیده میشود.

مینویسند که «ایوتیدم» شاه باختر پس از مقاومت دو ساله کنار رود هریرود به «هزار اسپ» (شهر بلخ یا قریب آن) پس پا شده و از آنجا بدست پسر خود «دمتریوس Demtrius» که جوان دلاور و وجیهی بود پیغامی به انتیوکوش فرستاده به او حالی نمود که مقصد از بغاوت و لشکر کشی اولیه او طغیان و قطع علاقه از امپراطوری یونانی شامی نبوده بلکه میخواست خانواده را که مقصر این عمل بودند (یعنی خانواده دیودت) توبیخ نماید. از طرف دیگر چون انتیوکوش و ایوتیدم هر دو نژاداً یونانی بودند مفاد انتیوکوش در این بود که عوض ضعیف ساختن یک شاه یونانی نژاد او را قوی و طرفدار خود سازد و بدین منوال به تقویت او بکوشد تا اینکه یونانیها بیش از پیش در مقابل سیتی که اساس شاه پارتی بکمک خود دعوت نموده بود، مقابله بتوانند. چنانکه این مطلب را «دمتریوس» به شاه یونانی شامی بیان نمود و در نتیجه انتیوکوش قانع شده با ایوتیدم شاه باختر اتحادی قائم نموده دختر خود را به پسرش «دمتریوس» قاصد جوان داد. در اثر معاضدت شاه باختر قشون «انتیوکوش» از بکتريا و راه های کوهستانات شمال به دره کابل که در آن وقت «سوفگاسنس Sophagaseunas» نام از طرف خاندان موریای هندی در آن حکمرانی میکرد فرود آمده و دره کابل - گندهارا تا پنجاب غربی را متصرف شده و نفوذ خاندان موریای هندی را به پنجاب شرقی محدود ساخت.

اسم «انتیوکوش» در لوحه سنگ «گیرنار Girnar»⁽¹²⁾ به عنوان شاه یونانی در حالیکه اهالی را از قتل و شکار حیوانات منع میکند، نقش است. در سال 205 ق.م. انتیوکوش از اراکوزی (حوزه ارغنداب) و «کرمانیا» (کرمان) یعنی همان راهی که حین بازگشت اسکندر «کراتروس Craterus» یکی از جنرال های او تعقیب نموده بود، مراجعت نمود. قرار معلوم حین مراجعت مشارالیه از طرف اهالی اشکالی ندید بلکه بر عکس اتباع یونانی این مناطق با رضایت تمام عملیات کشور گشائی پادشاه هم نژاد خود شانرا ملاحظه میکردند و از عبور او اخذ قوا و مساعدت مینمودند.

«انتیوکوس» بعد از ملاقات «ایوتیدم» شاه باختر در بلخ و احساس خطر «یوچی» های بربر وضعیت باریک یونانیان را در باختر فهمیده پس از عبور هندوکش بکتريان را دوباره به «ایوتیدم» واگذاشت و پاروپامیزاد و کوفن (ولایت کابل) و سپس «آریا» (ولایت هرات) و اراکوزی (جلگه ارغنداب) را جزء متصرفات او ساخت و پسرش «دمتریوس» داماد خود را حکمران اراکوزی (قندهار) و «درانجیان» (سیستان) مقرر نمود و بدین منوال تمام اراضی که افغانستان امروزی را تشکیل میدهد تا رود اندوس تحت اداره و حکمرمائی «ایوتیدم» سلطان باختر درآمد. (206 ق.م.)

دمتریوس (196 190 ق.م. یا حوالی 200 ق.م.)

وقتی که انتیوکوش شاه سلوسید شامی در اضطراب و کشمکش های جنگ های رومن ها گرفتار بود، دمتریوس حکمران اراکوزی و سیستان از طرف پدرش «ایوتیدم» مامور شد تا به هند حمله کند. مشارالیه از راه غزنی عازم کابل شده و از طریق گندهارا راه پنجاب را پیش گرفت. در بین وقت در پنجاب شرقی طوریکه قبلاً ذکر رفت خاندان «موریا» حکمرمائی داشت و امکان می‌رود که تهاجمات «دمتریوس» با عصر سلطنت چهارمین شاه این خانواده مصادف شده باشد. بهر جهت «دمتریوس» در اثر شجاعت و مردانگی سربازان اراکوزی و کابلستان دامنه تصرفات امپراطوری باختر را در ماورای سواحل چپ اندوس به «گجرات»، «کچ Kutch»، «بهریچ Bahrooch» و «سورت Surat» یعنی تمام علاقه های سند و پنجاب امروزی انبساط داد چنانکه تذکره های تاریخی او را فاتح هند یاد نموده اند. مشارالیه دو شهر بنام «دمتریاد Demetriade» یکی در «اراکوزی» و دیگری در مقام «پتالن Pathalen» کنار سند بنا نهاد و در «ساکالا Sakala» (سیالکوت) شهر «ایوتیدمیا Eutydemia» را بنام پدر خویش اعمار نمود.

حینیکه مشارالیه در هند مشغول کشورگشائی بود، پدرش ایوتیدم سلطان باختر وفات نمود و «دمتریوس» فوراً اعلان سلطنت نمود. «دمتریوس» در مسکوکات خویش «دمتریوس پادشاه» و «دمتریوس بازیلوس» ضرب زده و چپه و راسته آن با مسکوکات پدرش «ایوتیدم» اختلاف زیاد دارد. سری که در مسکوکات «دمتریوس» نقش است بعضی اوقات به فیته ئی بسته است و بعضی اوقات کلاه عجیبی دارد که شکل سر فیل در آن نصب می‌باشد و در یک سکه عوض سر پادشاه سر فیل در طرف راسته سکه منقوش است و این سکه هم دوره حکومت او را در هند ثابت میکند. در طرف چپه مسکوکات دمتریوس ارباب انواع یونانی مثل «هرکول»، «اپولو»، «میزو»، بصورت ایستاده مشاهده میشود و در یک سکه «مرکور» هم بملاحظه میرسد.

بعد از دمتریوس جانشینان او «پانتالیون Panthaleon»، «آگاتوکل Agathocle» و «اپلودوت Apollodote» سلطنت نموده اند. بالا گفته شد که حینیکه «دمتریوس» در هند مشغول فتوحات بود، پدرش «ایوتیدم» در باختر وفات نمود. در بین وقت «ایوکراتیدس» نام، یکی از نایبان او از دوری «دمتریوس» استفاده نموده در صفحات شمال هندوکش، در بکترین اعلان سلطنت نمود.

ایوکراتیدس (15 - 17 ق.م.)

«ایوکراتیدس Eucratides» مدتی تنها در منطقه شمال هندوکش در بکتیریا و سغدیا (سمرقند و بخارا) سلطنت نموده زیرا مسکوکات دوره اول حکمفرمائی او تنها بزبان صاف یونانی ضرب زده شده و هنوز در ین مسکوکات عنوان «شاه کبیر» را اتخاذ نموده است. در ین دسته مسکوکات او مانند «دمتریوس» و «ایوتیدموس» در یک طرف یک سر فیه بسته و در طرف چپه سکه نوشته یونانی با هیکل «اپولو» نقش میباشند و مضمون ضرب سکه فقط «ایوکراتیدس پادشاه» میباشد.

در یک دسته مسکوکات دیگر که آنها در زمانیکه تنها شاه منطقه بکتیریا و سغدیا بود بضررب رسیده و در طرف راسته یک سر با کلاه کسک فولادی بدون کدام نوشته یونانی نقش است. این مسکوکات یادگار دوره ده ساله ایست که در طی آن مشارالیه با «دمتریوس» که در ین وقت در پنجاب برای استرداد تخت و تاج پدر خود مراجعت نمود و همچنین با «آگاتوکلس» حکمران پاروپامیزاد مصروف پیکار بود.

یک عده مسکوکات دیگر «ایوکراتیدس» مربع شکل است که در طرف راسته آن باز شاه با کلاه کسک فولادی خود نمایش یافته و دور آن نوشته یونانی است و بطرف چپه بدور هیکل «Dioscuri» مضمون یونانی سمت راسته به زبان پراکریت و رسم الخط خروشتی نوشته شده است. در ین موقع شاه در مسکوکات عنوان «شاه کبیر» اتخاذ نموده و چون معمولاً این عنوان وقتی گرفته میشد که شاه مناطق جنوب هندوکش خصوصاً کابلستان را فتح میکرد لذا از روی این عنوان و از روی ضرب اسم شاه بزبان پراکریت و رسم الخط خروشتی که در جنوب هندوکش معمول بود، فهمیده میشود که «ایوکراتیدس» بعد از یک سلسله محاربات طولانی «آگاتوکلس» حکمران «پاروپامیزاد» را که از طرف «ایوتیدم» مقرر شده بود و سپس «دمتریوس» پسر او را که از هند مراجعت نموده بود شکست داده است. چنانکه «جوستن» مؤرخ یونانی عین این حوادث را در یادداشت های خویش نگاشته است. مشارالیه چنین میگوید:

"تقریباً در همان عصری که میتردادس یا «مهرداد» در پارتیا حکمفرمائی داشت، «ایوکراتیدس» در بلخ سلطنت مینمود و هر دو اشخاص بزرگ بودند. اما باختری ها در ین وقت بمناسبت محاربات متعدد و توجه به کشورگشائی در هند خسته شده بودند. «ایوکراتیدس» با «دمتریوس» جنگ های زیاد نمود. شاه اخیرالذکر با 60 هزار نفر خود مدت چهار ماه او را محاصره کرد و در اثر فشار و مقاومت حریف خود را محاط ساخته و در نتیجه سه صد تن خود را از محاصره نجات داده و عساکر «دمتریوس» را چیزی شکست داده و چیزی را بخود ملحق نمودند و با سپاه زیاد بعد از 5 ماه هند را تسخیر کرد. حین مراجعت از هند توسط پسرش بقتل رسید."

این یادداشت جوستن خیلی مهم است زیرا از روی آن معلوم میشود که «ایوکراتیدس» معاصر «میتردادس» یا «مهرداد»، شاه پارتیا بوده و از اینجا

تاریخ سلطنت او هم بدست می آید. اگرچه «بایر Bayer» تاریخ سلطنت او را 181 ق.م. میگوید و پروفیسور «ولسن Wilson» هم آنرا قبول نموده است اما «ویسکونتی Viscouti» 165 ق.م. مینویسد و پروفیسور «لسن Lassen» وسط این هر دو یعنی 175 ق.م. سالی را تعیین کرده است که بتاریخ جلوس مهرداد نزدیک میشود زیرا مهرداد اول بجای برادرش فرهاتس اول در 171 ق.م. جلوس نموده است.

پس از اینکه «ایوکراتیدس» به تخت باختر جلوس نمود اول از همه با یک عده حکمرانانی که از طرف «دمتریوس» در باختر و پاراپامیزاد، منطقه پنجشر و سمت شمالی و کابل و مناطق غربی قریب اندوس مقرر بودند، مثل «ایوتیدموس دوم»، «اگاتوکلس»، «پانتالئون»، و «انتی ماکوس» هر کدام به نوبه خود بمفاد «دمتریوس» با او بنای مقابله را نهادند و پسان تر اعلان شاهی نمودند چنانکه ائیاً از ایشان ذکر خواهد رفت. بهر حال «ایوتیدموس» دوم برادر «دمتریوس» حکمران باختر بعد از زد و خورد قلیلی بقتل رسید. سپس «ایوکراتیدس» بجنوب هندوکش با «اگاتوکلس» حکمران «پاروپامیزاد» و «پانتالئون» حکمران مناطق غربی اندوس و خود «دمتریوس» که از پنجاب بقصد امحای حریف خود مراجعت نموده بود، مقابل گردیده و بشرحیکه ذکر رفت در طی محاربات ده ساله ابتدا محصور و بعد از آن رهائی یافته مخالفین خود را مضمحل ساخت و در پاروپامیزاد هم دست تصرف یافت.

آخرین امید طرفداران دمتریوس کوششهای «پانتالئون» حکمرانی بود که از طرف «دمتریوس» در علاقه دو طرفه رودبار اندوس مقرر شده بود و از کشمکش های طولانی استفاده نموده در جلگه رودخانه ئی که زبان سانسکریت در آن مروج بود، اعلان شاهی و مخالفت با اوکراتیدس نمود. اما طولی نکشید که ایوکراتیدس با شصت هزار عساکر خود که عموماً از باختری ها تشکیل شده بود، فرا رسیده و آخرین طرفدار دمتریوس را هم پس پا ساخت و دو باره دامنه امپراطوری باختر را از سغدیان تا کنار جیلیم انیسط داد. قرار عقیده «رپسن Rapson» «ایوکراتیدس» پس از تصرف صفحات جنوب هندوکش مخالفین خود و دمتریوس و اولاده خانواده او «اپولودوتوس Apollodotus» را به پنجاب شرقی به مناطق سواحل چپ روود جیلیم عقب نشانند (165 ق.م.) و دایره نفوذ و آمریت شانرا به حوالی «سکالا Sakala» محدود ساخت و پنجاب غربی را که «تاکزیلا» هم جزء آن باشد متصرف گردید اما بدبختانه این قسمت دوره سلطنت او طولی نکشید زیرا «ساک» ها، پیش قراولان «سیتی» از جانب شمال اکسوس سرکشیدند و ایوکراتیدس یا در گیر و دار آنها یا زمانیکه از پنجاب مراجعت میکرد از دست پسرش بقتل رسید. معذالک هیچ یک از مؤرخین نه اسم، نه وقایع حیات پسر او را ذکر نکرده اند. تنها «جوستن Justin» اظهار میکند که پسر در امر مملکت داری با پدرش شریک بوده. نا گفته نماند که مسکوکات شناسان یک سکه عجیب «ایوکراتیدس» را بدست آورده اند که در طرف راسته آن تصویر «ایوکراتیدس» به وضعیت نشسته با نوشته «ایوکراتیدس بازیلوس مکاس» (ایوکراتیدس شاه کبیر) نقش است و در طرف چپه آن دو سر مرد و زن

معلوم میشود. بعضی مستشرقین این سکه عجیب را شاهد قول «جوستن» گرفته میگویند این سکه شراکت ایوکراتیدس و پسرش را در امر مملکت داری ثابت میکند و این دو سر که در آن مشاهده میشود عبارت از نقش سر پدر و پسر میباشند. اما اگر در تصاویر سرهای مذکور دقت شود هیچ کدام آن نه علامه شاهی، نه فیتنه که آنهم نشان سلطنت است دارند و نه حایز کدام عنوان و صیغت دیگر میباشند. لذا سکه مذکور یا سکه «ایوکراتیدس» است که در طرف چپ صورت پدر و مادرش معلوم میشود و یا قراریکه پروفیسور «ولسن» میگوید مربوط به «هلیوکلس» پسر «ایوکراتیدس» میباشد.

بهر جهت قبل از اینکه نگارش وقایع حیات و امپراطوری این شاه کبیر باختر را خاتمه دهیم باید متذکر شویم:

«ایوکراتیدس» اولین شاه یونانی باختر است که در مسکوکات به دو زبان سکه زده است. در دوره اقتدار و عظمت باختر زبان یونانی مخصوص مناطق شمال هندوکش یعنی بکتیریا، سغدیا (سمرقند و بخارا) و آریا (هرات) بوده و زبان «آریائی» که آنرا «خروشتی» هم خوانده اند در وادی «کوفن» (کابل، گندهارا) و پاروپامیزاد (اراضی متصل دامنه های جنوب هندوکش) رواج داشت. «ایوکراتیدس» پس از اینکه صفحات جنوب هندوکش را از «اگاتوکلس» و «دمتریوس» گرفت، در طرف چپ سکه بزبان بومی اهالی یعنی «خروشتی» هم نام خویش را نقش نمود.

در عصر سلطنت این شاه با لشکرکشیهایی که بجانب هند نمود، مدنیت یونانی باختر بیش از پیش به صفحات جنوب هندوکش رسیده و از آنجا به هند منتقل گردید و روح مدنیت باختر از علاقه کوفن و گندهارا به پنجاب سرایت نمود.

ظهور اسکائی ها و بحران امپراطوری باختر 135 ق.م.

از واقعات سوئی که در این وقت رخ میدهد و در نتیجه نفوذ یونانیان در صفحات شمال هندوکش سقوط میکند، ظهور اقوام «ساک» یعنی «اسکائی» ها یا «سیتی» ها میباشند که از منتها الیه شمال شرقی، از ماورای رود «ایگزارت» (سر دریا) سر کشیده به سغدیان و بکتیریان نمودار میشوند. از طرف دیگر از جانب غرب «میتیری دات Mithridates» (مهرداد اول) پارتی از ظهور قبایل اسکائی و توجه شان به باختر بجانب شمال استفاده نموده، هرات را به قبضه خود میآورد. در بین گیر و دار که اسکائی ها به سغدیان رسیده و مهرداد هرات را صاحب شده بود، «ایوکراتیدس» هنوز هم مدتی ولایت بکتیریان را در دست داشت. سپس مشارالیه در اثر دنباله واقعات سو محاربات اسکائی ها بقتل رسید. اگر چه بعد از او پسرش «هلیوکلس» و یکنفر دیگر «انتیماکوس» هم تا چندی در شمال هندوکش

هم دست داشتند ولی نفوذ ایشان خیلی بی دوام و موقتی بوده و به این جهت میتوان گفت که بعد از «ایوکراتیدس» نفوذ آمریت یونانیان از صفحات شمال هندوکش چیده شده به جنوب آن منتقل میگردد و پاروپامیزاد، کابلستان، گندهارا، پنجاب غربی تا سواحل چپ رود خانه جیلم را در بر میگیرد. علاوه برین چون «دمتریوس» پس از شکست خود در مقابل «اوکراتیدس» به پنجاب شرقی در حوالی «سیالکوت» محدود و متمرکز شده بود، بعد از او اولاده اش «اپولودوتس» و «میناندر» سلطنت علیحده تشکیل میدهند که از آن هم بحث خواهیم نمود. خلاصه این عصر را به عصر بحران بزرگی میتوان تعبیر نمود که اقوام مختلف به صفحات شمال و غرب وطن میریزند و نفوذ یونانیان آهسته آهسته از مناطق شمال هندوکش محو شده به جنوب آن منتقل میشود.

در اثر این وضعیت بحران دیگر که از 160 ق.م. تا 145 ق.م. مدت 25 سال دوام تصرفات یونانی در کشور ما و هند به یک عده حکومت علیحده و مجزا تبدیل میشود و این وضعیت تا سال 40 م. که «کدفیلس اول» شاه کوشانی ظهور میکند، دوام مینماید.

سلطنت یونانی جنوب هندوکش

هلیوکلس 145 - 165 ق.م.: «هلیوکلس نیکاتور» (هلیوکلس شاه کبیر). قبلاً از روی یادداشت های «جوستن» مؤرخ یونانی متذکر شدیم که «ایوکراتیدس» بعد از مراجعت از هند از دست پسرش بقتل رسید. (اگر چه امکان می رود که در جنگ اسکائیا کشته شده باشد). بعضی ها فرض میکنند که این پسر مانند پدرش «ایوکراتیدس» نام داشت. اما پروفیسور «لسن» چنین عقیده دارد که در میان شاهان مجهول که تا حال اصل و خانواده اش پوره روشن نشده یکی هم «هلیوکلس» است که در حقیقت پسر «ایوکراتیدس» میباشد. چنانکه پروفیسور «ولسن» هم این نظریه را قبول نموده و تاریخ جلوس او را به سال 147 ق.م. نسبت میدهد. «هلیوکلس» تنها به زبان یونانی و به دوزبان یونانی و خروشتی هم سکه زده است. زمان سلطنتش اگر چه کوتاه بود ولی از روی صفت «نیکایوش یعنی کبیر» که در مسکوکات خود اتخاذ نموده و چه از استعمال دوزبان یونانی و پراکریت معلوم میشود که با وجود تهاجم اسکائیا و اشغال سغدیان و رسیدن شان کنار «اکسوس» باز هم تا زمانی به باختر دست داشته ولی بیشتر نفوذ و آمریت او در مناطق جنوب هندوکش تحول نموده است و در آخر سلطنت او اسکائیا بکتریانا را نیز متصرف گردیدند.

در جنوب هندوکش نفوذ او بر «کاپیسا» (حوزه کوهدامن و کوهستان) و «گندهارا» (سمت کابل و سمت مشرقی) و «اودیانا Uddiyana» (سوات و بنیر) انبساط داشت.

انتی ماکوس حوالی 150 تا 130 ق.م.: بعد از «هلپوکلس»، «انتی ماکوس Antimachus» به سلطنت رسیده است. اگر چه بعضی ها عقیده دارند که مشارالیه قبل از اینکه اسکائی ها برسند، در شمال هندوکش هم سلطنت داشته ولی آنچه محقق است این است که در جنوب سلسله کوه مذکور در علاقه کوهدامن، پنجشیر، نجراب، تگاب و کابل حکمرمائی نموده است.

آگاتوکلس حوالی 185 ق.م.: پروفیسور «لسن» فرض میکند که «آگاتوکلس Agathocles» پادشاهی است که از کابل تا سواحل رود اندوس در گندهارای غربی سلطنت کرده است. آگاتوکلس و پانتالئون در مسکوکات خود زبان پالی را استعمال نموده اند.

پانتالئون حوالی 190 ق.م.: چون این پادشاه در بعضی مسکوکات خود زبان سانسکریت عصر «آشوکا» را استعمال نموده چنین فرض میکنند که قلمرو حکمرمائی او نزدیک سواحل اندوس بوده باشد. بعضی ها مشارالیه و آگاتوکلس هر دو را معاصر همدیگر تصور میکنند. «پانتالئون Pantaleon» به اسم خود جز کلمه «باریلوس = شاه» صفت دیگری علاوه ننموده است.

در حالیکه اسکائی ها صفحات شمال هندوکش را متصرف شده در سیستان فرود آمدند و بعد از اشغال «اراکوزیا» به حوزه اندوس رهسپار شدند. چندین نفر دیگر از احفاد «ایوکراتیدس» در کابلستان و گندهارای غربی به سلطنت رسیده اند که عبارت آنرا از «دیومدس Diomedes»، «فیلوگزینوس Philoxenos»، «ارتیمدوروس Artemidoros»، «ارخبوس Arkhebeos» و «هرمایوس Hermaios».

هرمایوس 75 ق.م.: آخرین شاه این سلسله «هرمایوس» است که تمام مستشرقین متفقاً او را آخرین شاه یونانی کابلستان و گندهارای غربی، جلال آباد، هده، پشاور، و چهارصده خوانده اند که بین 75 و 25 بعد از میلاد اسکائی ها، پهلوا ها و کوشانی ها از چهار طرف او را احاطه نموده و «گندوفارس» سلطنت او را خاتمه میدهد.

از «هرمایوس» آخرین شاه یونانی کابل زمین مسکوکات زیادی بدست آمده است. و میتوان آنها را به چهار نوع مختلف تقسیم نمود. اختلاف بین این مسکوکات آنقدر زیاد است که بعضی ها بفرق افتاده میگویند که ممکن به اسم «هرمایوس» دو و حتی سه پادشاه گذشته باشد. بهر جهت اقسام مسکوکات او قرار آتی است:

1- هرمایوس و خانمش «کالیاپ Kalliape» را طوری نشان میدهد که سر شاه و ملکه روی راسته سکه منقوش میباشد. این سکه از نقطه نظر ساختمان و علامه ضرب با سائر مسکوکات شاهان یونانی متقدم او مطابقت میکند.

2- به ساخت سکه فوق، سکه دیگری از هرمایوس بدست آمده که تنها صورت خودش را نشان میدهد. از این سکه هم قسم نقره نئ و هم مسی آن کشف شده و نوشته های آنها به دو زبان یونانی و خروشتی مضروب است. حروف نوشته آن به الفبای یونانی عصر شاهان «سوتر=ناجی یا منجی» که معاصر به عصر «هرمایوس» در پنجاب غربی سلطنت داشتند، مطابقت میکند.

نا گفته نماند که علی العموم مسکوکات «هرمایوس» از نقطه نظر ساخت و صورت ضرب پست و فلز آن اکثراً مس میباشد. از مسکوکات او دو رقم دیگر نیز دیده شده که با دو دسته فوق چهار نوع مختلف مسکوکات او را تکمیل میکند. در روی چپه یکی از این دو دسته اخیرالذکر شکل «ژوپیتر Jupiter» بصورت نشسته و روی دیگر شکل «هرکول Hercules» به وضعیت ایستاده نمایش یافته است. بطرف راسته این دو دسته مسکوکات سر شاه طوری منقوش است که موهایش با فیتنه بسته میباشد و اسم شاه در زیر این نوشته «بازیلوس ستروس هرمایوس = شاه منجی هرمایوس» مشاهده میشود.

یونانی ها در هند سلطنت احفاد ایوتیدم سلطان باختر در پنجاب

پیشتر در صفحات اول این فصل متذکر شدیم که «دمتریوس» حکمران ایالت اراکوزی پسر «ایوتیدم»، سلطان باختر به امر پدر بقصد تسخیر هند کمر بسته و دامنه نفوذ حکومت یونانی باختری را به گجرات، سورات، و ساکالا (سیالکوت) رسانیده و در نقطه اخیرالذکر بنام پدر خود شهر «ایوتیدمیا» را بنا نهاد و بدین ترتیب تمام پنجاب زیر سلطه حاکمیت باختر درآمد.

به تفصیلی که ذکر رفت چون خود «ایوتیدم» سلطان باختر در بین فرصت وفات نمود و «ایوکراتیدس» در بلخ اعلان شاهی نمود و جنگ را با «دمتریوس» شروع نمود، در نتیجه «دمتریوس» شکست خورده به پنجاب شرقی پس پا و محدود گردید و بدین منوال پسر سلطان متوفای باختر سلطنت یونانی علیحده نئ در پنجاب شرقی تشکیل نمود و «تاکزیلا» را پایتخت خود قرار داد.

موسیو گروسه مؤرخ فرانسوی در صفحه 56-57 کتاب "شرق اقصی" خویش مینویسد: "وارثین شاهان یونانی باختر چون یکطرف سیاستاً بواسطه مخالفت و اغتشاش پارت ها از ممالک سواحل بحرالروم جدا شدند و از طرف دیگر تهاجم اسکائی ها ایشان را به گندهارا و پنجاب شرقی پرتاب نمود، مجبوراً در قلمرو هندی محدود شده در پنجاب شرقی منزوی ماندند." از همین جهت نسبت به شاهان یونانی باختری و کابل زمین بیشتر زیر نفوذ فضای هندی آمدند چنانکه مسکوکات ایشان به فصاحت تمام تاثیر این نفوذ را ادا میکند. مثلاً در سکه

«دمتریوس» شاه کلاهی پوشیده که بشکل سر فیل مییاشد و یک سکه نقره ئی «انتیال کیداس Antialkidas» فیلی را نشان میدهد که خرطوم خود را بلند نموده است.

اغلب مسکوکات شاهان یونانی پنجاب شرقی «دمتریوس»، «مناندر»، «انتیال کیداس» و غیره (احفاد ابوتیدم) به دو زبان یونانی و پراکریت بطریق ذیل ضرب است:

Basileas sateras Menandrau Maharajasa Tratarasa Menandrasa

چون احفاد شاهان یونانی باختر در پنجاب شرقی تحت فضای هندی محدود مانده و سیاستاً بعد از انقلاب پارت ها و تهاجمات اسکائی ها از سلطنت یونانی کابل زمین مجزا شدند، مانند سائر خانواده های شاهی مقدونوی مثل سلوسید های شام و «لژید» های مصر مجبور شدند سیاستی را روی کار آورند که با روحیات ساکنین بومی مخصوصاً از نظر دیانت و دین داری موافقت داشته باشد. چنانکه این موافقت در امر مملکت داری شان رول مهمی را بازی نموده است.

همین بود که در فکر افتاده خواستند بیکی از ادیان اهالی بومی داخل شوند و چون اساساً بواسطه خارجی بودن خود یونانی ها در طبقات مذهبی برهمنی پذیرفته نمیشدند، طبعاً بطرف دیانت بودائی تمایل نمودند. چون دیانت بودائی به خرافات اجتماعی و ملی اهمیت نداده از همه به آغوش باز استقبال میکرد، طبعاً موافقتی بین یونانی ها و «بودیزم» به میان آمده دیانت آنها را پذیرفتند و ایشان از دیانت حمایت نمودند. صورت خارجی این اتحاد در مسکوکات بخوبی ظاهر است مثلاً یک سکه برنجی «مناندر» سر فیلی را نشان میدهد که به خرطوم سلام میدهد و ممکن فیل «ساکيامونی بودا» باشد. یک سکه دیگر حایز شکل عراده ایست که ممکن «دارما چکرا» یعنی علامه «قانون» دیانت بودائی باشد.

بر علاوه در یک کتاب مشهور بودائی (Milindapanha) «مناندر» شاه یونانی پنجاب به اسم «میلندا Milinda» با یکی از علمای بودائی «ناگاسنا Nagasena» تذکر رفته است. در این کتاب شاه یونانی مانند «آشوکا» هندی و «کنیشکا» کوشانی حامی رسمی دین بودا معلوم میشود و به صفت «میلندا = بینظیر» یاد شده است. این نظریات با آنچه که «پلوتارک» مؤرخ یونانی نسبت به «مناندر» میگوید که شخص عادل و محبوب ملت بود، مطابقت میکند.

ناگفته نماند که از میان دو دولت یونانی جنوب هندوکش یعنی سلطنت یونانیان پنجاب شرقی اخیر الذکر بیشتر دوام نموده است زیرا اولی با «هرمایوس» در سالهای بین 25 و 45 م. در اثر حملات «گندوفارس»، پادشاه ساک پهلوا و دومی تا ورود اسکائی ها به پنجاب شرقی یک قرن دیگر دوام نموده است.

فصل هشتم

قبایل ساک یا اسکائی ها

ادامه دارد.

یادداشت ها:

- (1) - هنوز در سال 1315 نام آریانا در آثار کهزاد دیده نمیشود. (ب.ف.ک.)
- (2) - آریین اصطلاحی است که اروپائی های نژادپرست بکار میبرند و ما با آن کاری نداریم. استاد کهزاد در عوض از نام آریا و آریائی و مخصوصاً آریائی باختری استفاده میکند که جزء تاریخ کشور ماست. آنهایی که هنوز هم فرق آریین و آریائی را نمیدانند، بهتر است این آثار را مطالعه نکنند زیرا در این آثار بحث علمی میباشد نه مناقشات سیاسی. (ب.ف.ک.)
- (3) - صفحه 322 Cambridge History of India ملاحظه شود.
- (4) - کیمبریج هستری آف اندیا
- (5) - موضوع تحول کلمه پشتون یا پختانه از «پکت ها» در مقاله فاضل محترم مولانا یعقوب حسن خان در سالنامه سال 1312 مجله کابل ملاحظه شود.
- (6) - آگنی امروز هم در هندوستان معروف است.
- (7) - زوراستر در 570 ق.م. در راگا () متولد شده و در 540 ق.م. در ایالت سیستان به شهر «زرانگه» (زرنج) رفت و در 493 ق.م. وفات نمود.
- (8) - با شاه جوی مفر مغالطه نشود.
- (9) - کیمبرج هستری صفحه 472
- (10) - این کتاب در سال 1315 نوشته شده و از آن تاریخ به بعد مسکوکات زیادی از افغانستان پیدا شده است که شرح آنها در آثار دیگر

علامه کهزاد ذکر شده است و موضوعات این اثر را تائید بیشتر میکند. (ب. ف. ک.)

(11) قابل یادآوریست که وقتی این قسمت را تهیه مینمودم روز 13 جون 2011 بود که تصادفاً با روز وفات اسکندر کبیر مصادف میشد. بنابراین اسکندر 2334 سال قبل در منطقه بلوچستان به اثر مبتلا به مرض ملاریا جان خود را از دست داده است. اسکندر از سال 330 ق.م. تا 323 ق.م. مدت هفت سال در قسمت های شرقی فلات ایران که عبارت از افغانستان امروزی باشد مصروف جنگ و زد و خورد بود. اسکندر وفات نمود ولی فعالیت های سیاسی بازماندگان وی همچنان ادامه یافت، زبان، فرهنگ و هنر یونانی سه قرن دیگر در این کشور ادامه داشت. (فریار کهزاد)

(12) کوه بزرگی است نزدیک شهر جیناراگاد Ginoragadh که یکی از مراکز قوای هند میباشد و هم سنگ فرمان آشوکا در اینجاست (کاتیوار).